

## معرفی نسخه خطی معارج الخیال

مریم خزائیلی<sup>۱</sup>عظامحمد رادمش<sup>۲</sup>

## چکیده

نسخه خطی معارج الخیال، تذکره‌ای منحصر به فرد است، مربوط به روزگار صفویّه. گنجینه‌ای ارزشمند از سخنان پربار و لطیف شعرائی که عواطف و اعتقادات درونی خود را با بیانی بدیع و زیبا به رشته تحریر درآورده‌اند. قالب اشعار این جُنگ دست‌نویس، رباعی است که البته تعداد اندکی از آن وزن رباعی نداشته و جزء قالب رباعی به حساب نمی‌آیند. جامع این جنگ نفیس، میرزا محمدصالح رضوی از رجال دوران صفوی و نوه شاه عباس اول است. وی در این مجموعه، رباعیات ۳۶۷ شاعر معاصر و قبل از خود را گردآوری کرده و کلّ رباعیات را به ترتیب حروف تهجی بر اساس تخلص شعرا نگاشته است. مضامین گوناگونی در این نسخه مشهود است که اکثر آن‌ها مضامین قرآنی است و نشان می‌دهد شاعران برای نمایان کردن مفاهیم مذهبی و اخلاقی مورد نظر خود از قرآن بهره‌ها گرفته‌اند. این اثر شامل موضوعاتی است از قبیل: پروردگار و الطاف بی‌کرانش نسبت به بندگان و نیز سفارش به دوری انسان از دنیاپرستی، طمع، غرور، هوای نفس، گذر عمر، توجه به مرگ، ستایش بی‌چون و چرای حق تعالی و... در این نسخه خطی گاهی نیز الفاظ و ترکیبات قرآنی در پایان رباعی و یا در لابه لای مصراع‌ها برای تأکید، تفهیم و یا تکمیل آن مضمون، عیناً استفاده شده است.

**کلید واژه‌ها:** معارج الخیال، میرزا محمدصالح رضوی، مضامین، رباعیات، آیات قرآن.

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲- استادگروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

## مقدمه

در هر دیاری آثار دست‌نویس، از جمله ذخایر گران سنگ فرهنگ و ادب آن سرزمین به شمار توانند عامل شناساندن تمدن دیار خود باشند. اما متأسفانه با گذر زمان دستخوش روند و می‌می‌دار شدن آن‌ها یا مهجور ماندنشان و یا حتی ناشناخته و حوادث روزگار شده و این امر سبب خدشه‌های گرانمایه گردیده است و همین امر باعث شده که برخی از محققان و گمنام ماندن این مجموعه‌های ارزشمند، پاسداران این حوزه، برای بازشناختن و نگاهداشت این میراث فرهنگی و مجموعه‌های نفیس فقط به دلیل دربرداشتن اشعار نویافته شاعران نامی نیست که کوشش کنند. این گنجینه مهم و ارزنده هستند، بلکه به سبب نام شاعران بی‌نشان و گمنامی که به فهرست ادبیات جهانگشای اند، که از امتیازات ارزشمند این آثار خطی به شمار پاریسی افزودند، برجسته و قابل توجه شده‌ها، ذکر فنون ادبی همانند رود. از دیگر نکات قابل مشاهده در بعضی از کتب تذکره و جنگ‌می صنایع بدیعی و عروض و قافیه و ... است که این کار انگیزه نگارندگان از گردآوری آن است. آوری و به مضامین باریک‌ای از شعرهای ناب شاعران را جمع‌کنند برگزیده‌همچنین آنان سعی می‌اشعار و بیان لطیفه‌های آن و همچنین فنون شعری توجه کنند و به ذکر امتیازات هنری و شاعران آن پردازند.

یکی از کسانی که جامع چند نسخه ارزشمند خطی، در زمان صفوی است، میرزا محمدصالح رضوی ملقب به صدرالممالک است. وی از رجال سیاسی و فرهنگی مشهور عصر صفوی و نیز از شاعران آن دوران است. او و پدرش از اشخاصی هستند که در دوران شاه عباس اول، تولیت آستان قدس رضوی را بر عهده داشته‌اند. محمدحسن خان اعتماد السلطنه در کتاب مطلع الشمس خود، درباره محمدصالح چنین نوشته است: «حاج مولی محمدصالح، اصلاً تربتی است، ولکن بعد از تحصیل و تکمیل علوم شرعی در عتبات ائمه عراق علیهم‌السلام، مجاورت مشهد مقدس رضوی اختیار کرد و در هزار و دویست و چهل و شش به رحمت ایزدی پیوست و در قبرستان قتلگاه به خاک سپرده شد» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۷۰۶). وی از نزدیکان شاه عباس صفوی، یعنی فرزند دختر اول شاه به نام شاهزاده بیگم است که پیش از پادشاهی وی به دنیا آمد و پیش از پدر درگذشت. پدر ایشان نیز میرزا محسن رضوی، فرزند میرزا الغ رضوی است که وی از جمله علما

و رجال بزرگ سادات رضوی و بانی مدرسه صالحیه مشهد، معروف به مدرسه نواب در سنه ۱۰۸۶ است. در خصوص مادر محمدصالح چنین ذکر شده: «شاهزاده بیگم را به میرزا محسن رضوی، متولی مشهد داده بودند و از او دو پسر به وجود آمد که یکی ابوالقاسم میرزا نام داشت و دختر خلیفه سلطان، داماد دیگر شاه را گرفته بود و در شب جمعه آخر رجب سال ۱۰۴۱ هجری به فرمان شاه صفی کورش کردند. دیگری را هم که با پدرش در مشهد بود، منوچهرخان حاکم آنجا، به فرمان آن پادشاه کور کرد. شاهزاده بیگم در زندگانی شاه عباس درگذشت» (فلسفی، ۱۳۶۴: ۵۵۵).

درباره پدر میرزا محمدصالح رضوی نیز این گونه بیان شده است که: «قاضی خان سیفی الحسینی که صدر بود، از آن منصب معزول گشته، قاضی سلطان تربتی که از سادات موسوی تربت حیدریه و متولی سرکار فیض آثار روضه رضویه بود، بدین رتبه عالی ارجمنندی یافت و تولیت سرکار فیض آثار به میرزا محسن رضوی، ولد میرزا الغ که به شرف مصاهرت حضرت اعلی سرافراز است، تفویض یافت» (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۹۲۸). در این جنگ از میرزا الغ، پدر بزرگ محمدصالح، چهار رباعی مندرج است. رباعی زیر از جمله رباعیات اوست:

ای آن که تو بزم گل رُخان را نمکی      گاهی برسان به آتش ما نمکی  
خواهی که ز باده نشأه‌ای دریابی      ز نهار که لعل خویشان را نمکی  
(معارج الخیال: ۵۷)

میرزا محمدصالح آثاری از خود برجا گذاشته که در برخی از کتب و فهرست‌ها، به آن‌ها اشاره شده است. این آثار عبارتند از: ۱. جواهر الخیال ۲. معارج الخیال ۳. لطایف الخیال.

«جواهر الخیال و معارج الخیال، از جنگ‌هایی است که وی خالق آن‌هاست، لکن نام این دو کتاب در الذریعه نیامده است. صاحب الذریعه وی را سید صالح خراسانی یا میرزا محمدصالح رضوی خوانده و کتاب دقایق الحقایق را که مجموعه رباعیات جمعی از شاعران متقدم و متأخر ایران و به ترتیب حروف هجاست، از آثار میرزا می‌داند» (آقا بزرگ طهرانی، ۱۹۷۵، ج ۸: ۲۳۵-۲۳۴). این دو اثر در بردارنده رباعیات شعرای مختلف است. اما می‌توان گفت که معارج الخیال با جواهر الخیال دارای تفاوتی هستند و آن اینکه رباعیات معارج الخیال بر اساس ترتیب الفبایی

تخلص شاعران آن رباعیات تنظیم گشته، ولی ترتیب رباعی‌ها در جواهر الخیال به شکل موضوعی است.

تقریباً رباعیات هر دو جنگ مانند هم است. مثلاً سی و هفت رباعی از کمال اسماعیل در جواهر الخیال ضبط شده که غیر از یک رباعی، تکرار بقیه آن در معارج الخیال مشهود است و آن رباعی این است:

ای زلف مسلسلت بلای دل من      وی لعل لبست گره‌گشای دل من  
من دل به تو داده‌ام برای دل تو      تو دل به کسی مده برای دل من  
(جواهر الخیال: ۱۶۶)

درباره رباعیاتی که در این دو مجموعه به اسم کمال اسماعیل ثبت شده، می‌توان گفت که غیر از چهار رباعی از آن رباعیات، بقیه رباعی‌ها در دیوان ایشان مشاهده نشد. شاید در آن زمان نسخه‌ای از دیوان وی در دست میرزا بوده که قبل از رسیدن به دوران ما دستخوش نابودی شده و یا شاید این رباعی‌ها منسوب به وی بوده است. مثل این رباعیات:

کی دست به زلف لاله‌پوش تو رسد      یال لب به لب شکر فروش تو رسد  
کوتاهی قد تو برای دل ماست      تا ناله زار ما به گوش تو رسد  
(معارج الخیال: ۱۶۶)

و همچنین:

خال لبست ای دلبر شیرین حرکات      عکس مگسی نشسته بر شاخ نبات  
یا روح سکندر است کز تشنه لبی      جا کرده کنار چشمه آب حیات  
(همان: ۶۵)

رباعیات مذکور در معارج الخیال به نام کمال اسماعیل آمده، که در دیوان وی یافت نشد. در مورد شاعران دیگر این نسخه که صاحب دیوان هستند نیز چنین است که برخی از رباعیات آنان را نمی‌توان در دیوانشان یافت. همان گونه که قبلاً بیان شد، شاید این رباعیات منسوب به آنان باشد و یا اگر به آنان تعلق داشته، قبل از رسیدن به عصر حاضر از میان رفته است.

برخی از این رباعیات نیز در دیوان شعرای دیگر قابل مشاهده است. مانند این رباعی که در دیوان خَلِّاق المعانی نیامده، اما در مجموعه رباعیات بابا افضل کاشانی دیده می‌شود.

بد اصل و گدا چو خواجه گردد نه نکوست      مغرور شود نداند از دشمن، دوست  
گر دایره کوزه ز گوهر سازی      از کوزه همان برون تراود که دروست  
(همان: ۶۶)

همچنین رباعی کمال اسماعیل که در صفحه قبل اشاره شد و در جنگ جواهرالخیال مندرج است، در واقع به نام امیرشاهی سبزواری و در صفحه ۱۰۹ دیوان وی مشهود است. جواهرالخیال، مجموعه رباعیاتی است بر اساس حروف تهجی و به خط نستعلیق. این نسخه خطی به ترتیب موضوعی، در ۲۱ باب که هر باب دارای چندین فصل است، گردآوری شده است. میرزا محمدصالح بعد از ذکر این ۲۱ باب، همه رباعیات را به ترتیب الفبای قوافی و با آوردن نام شاعر هر رباعی، به رشته نظم درآورده است. بنابراین برای مشاهده رباعی‌ها، می‌توان به دو روش جستجو کرد، هم از لحاظ ترتیب الفبائی قافیه‌ها و هم از لحاظ موضوع. یعنی رباعیات با هر موضوعی، به ترتیب الفبائی قافیه کتابت شده است. مؤلف در نوشتن رباعیات از نشانه‌های خاصی استفاده کرده و خود بیان می‌کند که دو نقطه در مقابل هر رباعی به معنی تأمل در معنی آن و وجود سه نقطه نشانه اشکال در آن است و چنانکه در میان چهار مصراع نقطه گذاشته شده، به این معناست که منتخب منتخب است. این روش، نشان دهنده ذوق شعری میرزا محمدصالح است که نکته قابل توجه در این جنگ است و کمتر در جنگ دیگری مشاهده می‌شود.

لطایف‌الخیال نیز اثری دیگر از میرزا محمدصالح رضوی، جنگی مفصل و بی‌نظیر از ابیات برگزیده شعرای پارسی زبان است که از جمله آثار مهم وی و دارای ارزش‌های کم‌نظیری است و در مقایسه با آثار هم‌ردیف خود، مجموعه وسیعی از اشعار شعرای عصر صفویه را داراست. کتابت این نسخه، مرتب و پاکیزه است. در نسخه خطی لطایف‌الخیال، ابیات منتخبی از شاعران، بر حسب ردیف‌ها و به ترتیب حروف تهجی مرتب و نام‌گوینده در مقابل آن یادداشت شده است. گردآورنده این اثر منظوم ارزشمند، همچون آثار دیگرش، تنها به ذکر اشعار شعرای ایرانی بسنده نکرده و شعرای هندی را نیز در مجموعه خود جای داده است. تعداد زیادی از این شعرا گمنام

هستند و بسیاری از آنان هم‌عصر مؤلف. بیشتر شاعران این مجموعه، شاعران سبک هندی هستند و اطلاعات اندکی درباره بعضی از آنها در تذکره‌ها درج شده است و به همین دلیل می‌توان گفت که جنگ لطایف الخیال کمک شایانی به شناسایی و معرفی شعرای ایرانی مقیم هند در روزگار صفوی می‌کند و از این جهت حائز اهمیت است. در سال ۱۱۰۴ هـ ق خلاصه‌ای از این مجموعه به امر میرزا محمد صالح رضوی توسط نصرت کتابت شده (رضوی: ۳۶-۲۷). سعی جامع لطایف الخیال بر این است که بیشتر، اشعار و ابیاتی را در این مجموعه مضبوط کند که در سایر آثار گویندگان آن، به آن اشاره نشده است و جزء شعرهای نویافته این شاعران محسوب می‌گردد.

میرزا علاوه بر خلق این آثار، از آن جایی که خود نیز شاعر بوده، اشعار خود را در کنار آثار شعری شاعران، ذکر نموده است.

### جنگ معارج الخیال

جنگ ارزشمند و منحصر به فرد معارج الخیال، مجموعه‌ای وسیع از رباعیات ناب شعرای متقدم و نیز هم‌عصر میرزا محمد صالح رضوی است. وی در این اثر نیز رباعیاتی زیبا و لطیف، هم از شاعران نامی و هم از شاعران کم‌نام و نشان‌ترِ دوران خود و زمان‌های پیش از خود درج کرده، که دیگر برخی از آنان در عصر جدید گمنام محسوب می‌شوند. کسانی همچون محمد ابراهیم، ملّا محمد علی، میرزا تراب، ملّا رحمی و ... از جمله شاعران کم‌نام و نشانی هستند که رباعیاتشان در این جنگ نمایان است.

چون این شخصیت برجسته دوران صفویه، خود نیز شاعر بوده و از گویندگان شعر آن دوران به شمار می‌رود، می‌توان گفت که در دوره خود به دلیل شاعر بودنش به نوعی با همکاران حیطة فعالیت خود آشنا بوده و یا شعر آنان را دیده و یا شنیده است که توانسته رباعیات بسیاری از شعرای کم‌فروغی که دیگر در این دوران گرد فراموشی بر آثارشان نشسته، در این مجموعه عرضه کند. رباعیاتی که اغلب دلنشین و پندآموز هستند و قابل تأمل. بنا بر گفته وی در این اثر: «چون هر جا خیالات بلندی که از رباعیات شعری که در این رساله مذکورند، جمع نموده در تحت اسم هر

یک، رباعیات او را بخصوص ذکر نموده، به ترتیب خاص آن را به معارج‌الخیال مسمی گردانیده است» (معارج‌الخیال: ۲).

به رشته نظم درآوردن تعداد بی‌شماری از رباعیات شعرای گوناگون در جُنگ‌های جواهرالخیال و معارج‌الخیال، همچنین رباعیات تراویده از جامع جُنگ، که در این دو رساله نیز برخی از آنها مشهود است، نشان می‌دهد که وی به این قالب شعری علاقه داشته و به همین دلیل اقدام به مضبوط کردن آنها کرده است. رباعیات زیر از جمله رباعی‌های میرزا محمد صالح است که در این نسخه کتابت شده:

|                                 |                                |
|---------------------------------|--------------------------------|
| از روز جزا خوف بعید است مرا     | گر نامه سیاه و گر سفید است مرا |
| چون بر گرم خدا امید است مرا     | دائم که بهشت جاودان جای من است |
| (همان: ۳۶)                      |                                |
| هرگز نشوم در ره پیمان تو سست    | بستم به تو پیمان درستی ز نخست  |
| عهدم به تو از روز الست است درست | پروا نبود ز دوزخ و نار و جحیم  |
| (همان)                          |                                |

در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم، نسخه‌ای از معارج‌الخیال به همراه جواهرالخیال، به شماره ۱۰۶۷۳ نگهداری می‌شود که از ابتدای این مجموعه تا برگ ۹۶ معارج‌الخیال را دربردارد. نسخه خطی معارج‌الخیال شامل ۱۹۲ صفحه، به ابعاد ۱۷×۲۶/۵ است. نگارنده، تعداد ۲۴۰۹ رباعی از ۳۶۷ گوینده شعر را در این جُنگ دست‌نویس به ترتیب حروف تهجی نگاشته، یعنی همه جا حرف آخر هر رباعی را با رباعی‌ای که بعد از آن آمده، ملاحظه نموده است. این ترتیب تنها در مورد رباعیات نیست، بلکه گردآورنده، شاعران را نیز از روی تخلصشان به ترتیب حروف الفبا ضبط کرده است. لازم است گفته شود که در جایی از این مجموعه، یعنی بین «حرف‌الطا» برخی از شاعرانی که حرف اول تخلص، آنها «حرف‌السین» است، مضبوط شده است (همان: ۴۷-۴۴). وی در زمان نگارش تخلص، هر شاعر را بالای نام آن شاعر، به شکل ریز نوشته، که برخی از آنها یا کاملاً پاک شده و یا کمرنگ گشته و ناخواناست که البته برخی از آنها را از روی اسم شاعر و برخی دیگر را از شرح حال آنان و یا رباعیاتشان می‌توان تشخیص داد. گفتنی است، تمام منتخبات

این جُنْگ با ذکر نام گوینده آن نگاشته شده است و فقط نام دو شاعر از میان ۳۶۷ شاعر، افتادگی دارد و قابل تشخیص نیست (همان: ۶۷، ۱۱).

میرزا محمد صالح، در کتابت این اثر بدین گونه عمل کرده که ابتدا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را ذکر، سپس نام شاعر را زیر آن نگاشته و بعد از آن، رباعی یا رباعیات منتخب آن شاعر را زیر نامش مکتوب کرده است. البته موارد معدودی از آنها جزء قالب رباعی به شمار نمی‌روند و از صورت رباعی خارج‌اند، چون اوزان دوازده‌گانه رباعی و ترتیب قافیه در آنها رعایت نشده است. به طور مثال می‌توان به این دو بیت که در منتخب رباعیات میر محمدباقر داماد به چشم می‌خورد، اشاره کرد:

|                                |                              |
|--------------------------------|------------------------------|
| کند اگر متکلم نظر به قدر عدوت  | قیاس جوهر فرد از چه هست عدم  |
| مگر بدیهه عقل از عمل شود معزول | اگر نداندش از جنس قابل تقسیم |

(همان: ۶)

و نیز در دو بیت زیر از منتخب رباعیات بابا اصلی دماوندی، می‌توان گفت که هم از صورت رباعی خارج است و هم قافیه ندارد:

|                             |                               |
|-----------------------------|-------------------------------|
| جهان جام و فلک ساقی، اجل می | خلایق باده نوش و مجلس می      |
| خلاصی نیست اصلی هیچ کس را   | ازین جام و ازین ساقی، ازین می |

(همان: ۷)

میرزا در این جُنْگ، برای بعضی از رباعیات شماره تعبیه کرده و آن به این دلیل است که خواننده متوجه ترتیب رباعیات بر اساس حروف الفبا شود، چون برخی از رباعیات جا به جا نوشته شده و کاتب با شماره‌گذاری، جای درست آن را مشخص کرده است. مانند رباعیات میر مغیث در صفحه ۷۲ نسخه. همچنین شماره‌هایی در بالای هر برگ از نسخه در سمت چپ، از ابتدا تا انتهای نسخه به چشم می‌خورد که نشان‌دهنده ترتیب برگ‌های آن است.

در بعضی از صفحات این مجموعه، برخی از رباعیات در حاشیه یا لا به لای رباعیات دیگر مندرج گردیده و شماره‌ای هم برای آنها ذکر نشده است، بنابراین تنها می‌توان از روی ردیف یا قافیه آنها، متوجه ترتیب الفبایی‌شان شد. مثل برخی رباعیات صفحه ۷۲، که هم در حاشیه و هم در



میان رباعیات دیگر آمده است. در بعضی صفحات، همهٔ منتخب رباعیات یک شاعر در حاشیهٔ صفحه کتابت شده، که می‌توان از روی تخلص شاعر، به مکان درست آن پی برد و آنها را به ترتیب الفبا در جای خود تعبیه کرد. مثل رباعیات ملا سیفای بروجردی، در صفحهٔ ۶۲.

از مشخصات دیگر این نسخهٔ خطی، داشتن رکابه است که البته در برخی از برگهای نسخه مشاهده نمی‌شود. که احتمالاً یا پاک شده و یا نگارنده، فراموش کرده آن را ذکر کند. رکابه به این صورت است که زیر آخرین رباعی صفحهٔ آغازین هر برگ، اولین کلمه از اولین رباعی صفحهٔ دوم نوشته شده است. این کار در تصحیح نسخه بسیار سودمند است و در بازنویسی آن کمک فراوانی می‌کند. زیرا با مشاهدهٔ این کلمه از اولین رباعی بودن رباعی صفحهٔ بعد که با این کلمه شروع می‌شود، اطمینان حاصل می‌گردد. البته این دربارهٔ صفحاتی است که رو به روی هم و در یک برگ قرار دارند. گفتنی است که در یک مورد پس از منتخب رباعیات میرزا طاهر نصرآبادی، رکابه «بِسْمِ اللَّهِ» است اما وقتی صفحهٔ بعد را نگاه کنیم، چنین چیزی مشهود نیست. به نظر می‌رسد که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و همچنین نام شاعر آن منتخبات افتاده است. به همین دلیل این رباعیات را که صد و هفتاد رباعی است، می‌توان منفک از رباعیات میرزا طاهر نصرآبادی دانست (معارج الخيال: ۴۰).

گفتنی است که برخی از رباعیات، به خط گردآورنده این مجموعه نیست و کاملاً متفاوت است و واضح است که میرزا محمد صالح، کاتبی را برای کمک به کار گرفته. زیر بعضی از این رباعیات، نام کاتب و سال نگارش آن درج گردیده، اما نام وی ناخواناست. برخی دیگر از این رباعیات مذکور نیز بدون نام و تاریخ هستند. البته این رباعیات، خطی شبیه به هم دارند و می‌توان تشخیص داد که این خط مربوط به همان کاتب است. مثلاً منتخب رباعیات باباطاهر در چند جای این مجموعه مضبوط است که تنها در یک جا به خط جامع و در بقیه جاها به خط آن کاتب مشهود است. به نظر می‌رسد منتخب رباعیاتی که با این وضع در نسخه وجود دارند، الحاقی باشند.

مورد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که رباعیات آقاجعفر سارو بهادر دو بار در جاهای مختلف این جُنگ درج شده است، که یک جا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» در بالای نام شاعر ذکر نشده و نشان دهندهٔ ادامهٔ رباعیات این شاعر است که در جای دیگر این مجموعه کتابت شده

است. این رباعیات در هر دو جا با خط خودِ جامع آمده است. به نظر می‌رسد که وی پس از نوشتن منتخب رباعیات آقاجعفر و بعد از مدتی که از کتابت این اثر می‌گذشته، رباعیات دیگری از این شاعر به دست آورده که در ادامه مندرجاتش، کتابت کرده است.

از دیگر موارد برجسته معارج‌الخیال، رباعیات سرگردانی است که برای دو شاعر به طور مشترک آمده است. یعنی رباعی‌ای در منتخب رباعیات شاعری مشاهده می‌گردد، که همان رباعی در منتخب رباعیات شاعر دیگری نیز ذکر شده است. این رباعیات سرگردان در چند جای این مجموعه خطی به چشم می‌خورد.

همانند این رباعی، که هم در منتخب رباعیات خیام و هم در منتخب رباعیات خواجه نصیر طوسی درج گردیده است:

|                                  |                               |
|----------------------------------|-------------------------------|
| من می خورم و هر که چو من اهل بود | می خوردن من به نزد او سهل بود |
| می خوردن من حق ز ازل می دانست    | گر می نخورم علم خدا جهل بود   |

(همان: ۸۳، ۲۳)

و یا رباعی زیر که در منتخب رباعیات خیام و نیز منتخب رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر، عیناً مشاهده می‌شود.

|                               |                                 |
|-------------------------------|---------------------------------|
| خیام تنت به خیمه‌ای ماند راست | جان سلطانی که منزلش دار فناست   |
| فرآش اجل ز بهر دیگر منزل      | این خیمه بیفکند چو سلطان برخاست |

(همان: ۲۳، ۸۳)

از نکات دیگری که در معارج‌الخیال به چشم می‌خورد، این است که میرزا محمدصالح رضوی تخلص جلال‌الدین محمد مولوی را به وضوح «خاموش» ذکر کرده و در «حرف‌الخا» آورده است، بنابراین می‌توان به آوازه تخلص مذکور در نزد قدما پی برد. مؤلف علاوه بر این جنگ، در دو جنگ دیگرش یعنی جواهرالخیال و لطایف‌الخیال نیز از همین تخلص برای مولانا استفاده کرده است. استاد فروزانفر در کتاب مولانا جلال‌الدین محمد (مولوی) ذکر می‌کند که محمدباقر الفت اصفهانی، دانشمند معاصر، تخلص مولوی را «خاموش» بیان کرده و علت این ادعا را مشاهده کلمه «خاموش» در خاتمه اکثر غزل‌ها به طریق اشارت و تلمیح، دانسته است (فروزانفر، ۱۳۸۷: ۲۷).

این جُنْگِ با ارزش، با منتخب رباعیات «عنایت خان آشنا» آغاز و با منتخب رباعیات «یقین جرفادقانی» پایان می‌پذیرد.

### اسلوب نگارش حروف و کلمات در معارج‌الخیال

نوع کتابت و رسم‌النخط این جُنْگ دست‌نویس، تفاوت‌های بارزی نسبت به نگارش حروف و کلمات در عصر حاضر دارد:

در این نسخه، حرف «گ» در همه موارد به صورت حرف «ک» به کار رفته است. همانند:

کوشه ← گوشه                      کل ← گل

حرف اضافه «به» اکثر جاها به کلمه پس از خود چسبیده است. مثل:

بتحقیق ← به تحقیق                      بظهور ← به ظهور

برخی کلمات مرکب، پیوسته نگارش شده است. مانند:

عالیقدر ← عالی قدر

گاهی نیز کلمات که به دلیل نگارشی باید پیوسته نوشته شوند، جدا نگاشته شده است. به طور مثال به این کلمات اشاره می‌شود:

دست‌رس ← دسترس                      کلان‌تر ← کلانتر

در این مجموعه، «ای» نشانه ندا، به منادا چسبیده است. مثل:

ایمسکین ← ای مسکین                      ایدل ← ای دل

همچنین مصوّت آغازین «است» بویژه پس از مصوّت بلند «ای»، در اکثر جاها حذف شده است. مانند:

مدهوشیست ← مدهوشی است                      یکیست ← یکی است

آوردن «ة» گرد عربی به جای «ه» غیرملفوظ، حتی در کلمات فارسی:

پرده ← پرده

«ب» نشانه فعل در برخی از افعال امری، جدا کتابت شده است. همانند:

به‌بین ← بین

در این جُنْگ، در بعضی موارد «این» و «آن» به کلمات پس از خود، پیوسته نوشته شده است. به طور مثال می توان به این موارد اشاره کرد:

آنفطرت ← آن فطرت      اینهمه ← این همه      آنروز ← آن روز

گاهی «را» مفعولی یا حرف اضافه، به ضمیر یا کلمه پیش از خود چسبیده است:

آنرا ← آن را      خدایرا ← خدای را

و نیز الف کوتاه در بعضی از کلمات، به شکل «آ» آورده شده است. همچون:

اسمعیل ← اسماعیل

در برخی مواقع، مصوّت آغازین یا همزه «او» حذف گردیده است. مانند:

ازو ← از او

در این جُنْگ، در موارد نادری حرف «ض» به جای حرف «ز» ذکر گردیده است. همانند این کلمه:

ضدل ← زدل

گاهی نیز حرف «ز» به جای حرف «ذ» مندرج شده است. مثل:

زرّه ← ذره

همچنین می توان به ذکر حرف «ذ» به جای حرف «ز» در برخی از جاهای این مجموعه، اشاره کرد. همچون:

ذهر ← زهر

و نیز در جاهایی از این نسخه خطی، نشانه مد حذف شده است. مانند این مورد:

اب ← آب

گاهی این نشانه، جا به جا نوشته شده است. همچون این مورد:

ارآسته ← آراسته

و گاهی نیز مد مصوّت بلند «آ» بیجا آورده شده است. همانند: خواب ← خواب.

در این جُنْگ، در برخی مواضع کلمات به طرز مصطلح امروزی مضبوط نشده است. مثل:

خواموش ← خاموش. و یا: خورسند ← خرسند.

برخی کلمات این جنگ، به زبان عامیانه مندرج شده است. همچون:

خوندم ← خواندم      خونساری ← خوانساری

همچنین است، آوردن حرف «ط» به جای حرف «ت» در معدود مواردی همچون:

طب ← تب

گاهی «ی = ی» به جای رابطه یا فعل معین (کمکی) به شکل «ای» به کار رفته است. مثل این

مورد:

شده ← شده‌ای

«که» در بعضی مواقع به کلمه بعد از خود متصل شده است. همچون: کاو ← که او. و نیز گاهی کلمه‌ای به «که» چسبیده است. مانند: کاریکه ← کاری که.

نگاشتن حرف «ق» به جای حرف «غ» در بعضی مواقع. مثل:

سافر ← ساغر      و یا: شقال ← شغال

و همچنین سر هم نوشته شدن دو کلمه با هویت دستوری متفاوت، از دیگر نکات نگارشی این

مجموعه دست‌نویس است:

یکعدس ← یک عدس      غوریکن ← غوری کن

### مضامین رباعیات معارج‌الخیال

مضامین شعری در این جنگ گرانمایه، بسیار متنوع و قابل تأمل است. رباعیاتی بسیار پندآموز و دلنشین و مشحون از حکمت، اندرز، مدح، ذم و ... . همچنین استعارات و تشبیهات و توصیفات دربارۀ می و ساقی، وصف یار، غم و شادی این وادی و نیز وصف حال عاشق و ... در این جنگ کم‌نظیر ادبیات پارسی به چشم می‌خورد که بسیار شگرف و دل‌انگیز است. آرایه‌های دیگری همچون تلمیح و ضرب‌المثل و نیز آیات و موضوعات قرآنی، احادیث و ... در این گنجینه خطی، مشهود است. در رباعیات این مجموعه، اغلب به مرگ و قیامت، رهایی از دنیاپرستی، سرکوب‌هوای نفس، پرهیز از غرور و خودبینی و نیز مدح انبیا و اولیای الهی بویژه حضرت محمد(ص) و حضرت علی(ع) اشاره شده است. ذکر منزلت هدایتی و بزرگواری‌های آنان در رباعیات این

مجموعه، فراوان به چشم می‌آید. مضامینی همانند خودسازی و آگاهی انسان، گذر عمر، ناپایداری و ناچیز بودن دنیا، نکوهش خصلت‌های بد و پلید و ... از دیگر مواردی است که در این اثر بدانها پرداخته شده است. این سروده‌ها آنقدر ناب و تأمل برانگیز است که هر مخاطبی را ضمن تحسین و تأیید، به تعمق در معنای ژرف آنها نیز وامی‌دارد. در این نسخه، برخی از رباعیات نیز مشاهده می‌شوند که مستقیماً به آیه‌ای یا بخشی از یک آیه در قرآن کریم اشاره دارد و شاعر در تمهیم و تفهیم رباعی خود، آن‌ها را به کار برده است.

### جنبه‌های تعلیمی و بلاغت اثر

#### بریدن از اَمَل

دامنه پند و اندرز در نظم و نثر ادبیات پارسی بسیار گسترده است. ناملايمات روزگار باعث شده که شاعران و نویسندگان از راه شعر و نوشتار به اندرز مردم زمان خویش پرداخته و آنان را از اعمال ناشایست و مذموم برحذر کنند. در این مجموعه نیز از این رباعیات بسیار دیده می‌شود. میرزا طاهر نصرآبادی می‌گوید:

|                                  |                                |
|----------------------------------|--------------------------------|
| تا پیر و حریصی به در دل نرسی     | زین بحر پر آشوب به ساحل نرسی   |
| چون کاغذ باد تا کی این طول اَمَل | تا نگسلد این رشته به منزل نرسی |

(معارج الخیال: ۴۳)

دل نبستن به دنیا و رها شدن از آن:

میر عین‌علی جرفادقانی در این باره گوید:

|                               |                                |
|-------------------------------|--------------------------------|
| ای کرده شراب حبّ دنیا مستت    | هشیار نشین که چرخ سازد پستت    |
| مغرور جهان مشو که چون رنگ حنا | بیش از دو سه روزی نبود در دستت |

(همان: ۵۶)

و ملأ محمدصادق نیشابوری هم بسیار زیبا توصیف دنیا و رها کردن آن را در شعرش بیان

می‌کند:

|                            |                            |
|----------------------------|----------------------------|
| کنجی فارغ نشستن از دنیا به | از منصب بی‌بقایش استغنا به |
|----------------------------|----------------------------|

دنیا زن زشت و طالبانش کورند / شوی زن زشت روی، نایبنا به  
(همان: ۳۶)

### غرور

از شعرای این جُنگ، در این مضمونِ مذموم رباعیات فراوانی یافت می‌شود.  
ای دل تو به هر خیال مغرور مشو / پروانه صفت کشته هر نور مشو  
خودبینانند کز خدا دور شدند / نزدیک خود آ و از خدا دور مشو  
(همان: ۲۱)

رباعی یاد شده از جلال‌الدین محمد مولوی است.

### هوای نفس

خصلت پلیدی که وارستگان همواره از آن دوری جسته و به خودسازی می‌پردازند، پیروی از خواهش‌های نفسانی است. چرا که پیروی از هوای نفس در تعارض با هدایت در راه خدا دانسته شده است. این جُنگ نیز رباعیات بی‌شماری در این زمینه دارد. شعرا مردم را به ترک آن رهنمون و ایشان را از عواقب آن آگاه می‌سازند.

میرعلی‌رضا یکی از شعرای این نسخه، می‌گوید:

در دل خواهش ز بی‌کمالی باشد / لذات جهان جمله خیالی باشد  
پوچ است سری که از هوس لبریز است / ظرفی که پر از هواست خالی باشد  
(همان: ۱۱)

خداوند در این باره در قرآن کریم می‌فرماید:

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ  
اللَّهَ لَأَيُّهُدَى الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (قصص: ۵۰).

### در حرص و طمع

دنیا چو تو چشم باز کردی هیچ است / هر کار کزو به کار کردی هیچ است

چون صورت آینه تماشاش خوش است      چون دست طمع دراز کردی هیچ است  
(معارج الخیال: ۵۹)

رباعی مذکور در بردارنده این مضمون و متعلق به محمد ابراهیم است. از وی دو رباعی در این مجموعه کتابت شده است.

و یا این رباعی زیبا از محمدطاهر کشمیری:

طامع که به ملک و حرص گردد راهی      در سعی عبث نمی کند کوتاهی  
قارون ته خاک رفت از طول امل      تا بردارد درم ز پشت ماهی  
(همان: ۵۸)

#### ستایش پروردگار

ملاً عبدالرحمن جرجانی، در رباعی بسیار زیبایی، به مدح پروردگار خویش پرداخته و تنها او را شایسته ستایش می خواند، هرچند که می داند بنده از ثنای کامل او عاجز است:

آنجا که کمال کبریای تو بود      عالم نمی از بحر عطای تو بود  
ما را چه حدّ از حمد و ثنای تو بود      هم حمد و ثنای تو سزای تو بود  
(همان: ۱۳)

#### روزی مقدر است

آقا باقی نهاوندی، به زیبایی این گونه می گوید:

ای خواجه دگر چه نان دنیا طلبی      رزق تو مقدر است بی جا طلبی  
هیچ از تو خدا طاعت فردا خواهد      کامروز از او روزی فردا طلبی  
(همان: ۹)

خداوند در سوره روم در این باره می فرماید: **اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ** (روم: ۴۰).

مدح و ذم همواره از جمله مضامینی است که در کل دوران ادبیات تاریخی ما بوده و شاعران و ادیبان از آن در پیشبرد مقاصد خویش به کار می برده اند.



استعاره

ملاً عرفی شیرازی:

ای شوق لب ز صبر من برده ثبات  
مشتاق لب را چه اجل خون ریزد  
تلخ از شکرین تبسمت کام نبات  
از تیغ اجل فرو چکد آب حیات  
(معارض الخیال: ۵۳)

تشبیه و ضرب‌المثل

در تنها رباعی ملاً شریفا در این مجموعه، سخن به زیبایی به صراف تشبیه شده است:  
صراف سخن باش و سخن بیش مگو  
گوش تو دو دادند و زبان تو یکی  
تا از تو نپرسند سخن، پیش مگو  
یعنی که دو بشنو و یکی بیش مگو  
(همان: ۳۵)

تلمیح

تا دل بر سوز عشق محرم نشود  
یک دم به خدا محبتی پیدا کن  
یک ذره به غیر حاجت کم نشود  
تا میل به گندمت چو آدم نشود  
(همان: ۱۳)

گوینده رباعی مزبور، میرزا محمدسعید حکیم قمی است که در مصرع آخر شعرش، تلمیحی به داستان حضرت آدم (ع) دارد.

ضرب‌المثل

میرزا محمدتقی کلانتر نیشابور، از شعرای این جنگ است که در یکی از رباعیاتش ضرب‌المثلی معروف در زبان فارسی را به کار برده است.

حاصل ز جهان نیست بجز رنج و تعب  
ترکش کن و گوشه فراغت بنشین  
از مردم روزگار مطلب مطلب  
نه شیر شتر خواه و نه دبدار عرب  
(همان: ۸۸)

لف و نشر مرتب

در عشق تو ای نگار پر کینه و جنگ  
گشتیم سراپای جهان با دل تنگ

شد دست ز کار و ماند پا از رفتار      این بس که به سر زدیم و آن بس که به سنگ  
(همان: ۴۵)

رباعی مذکور، سی و هشتمین رباعی از منتخب رباعیات شیخ ابوسعید ابوالخیر است. همچنین در این جنگ، رباعیات چشمگیری از وصف معشوق و غم و سرگشتگی عاشق، وجود دارد؛ از آن جمله است:

ز آن موی میان فکر مرا جانکاه است      ز آن زلف رسا دست سخن کوتاه است  
خوش با دل زار عاشقان پیچیده است      آن زلف مگر ز دودمان آه است  
(همان: ۹۰)

گوینده رباعی ذکر شده، میرزا رفیع قزوینی است. رباعی زیر نیز در سرگشتگی عاشق و گلایه از معشوق سروده شده، که نام سراینده آن در نسخه از میان رفته است:

آن شوخ که عهد دوستداری بشکست      می رفت و منش گرفته دامن در دست  
می گفت که بعد از این به خوابم بینی      پنداشت که بعد از او مرا خوابی هست  
(همان: ۶۷)

و همچنین این رباعی در وصف معشوق، از حکیم ظهوری:

از لعل تو چهره لاله زار آورده است      رنگی به رخ باغ و بهار آورده است  
گویی قد دلکش تو و پنجه تو      شاخی است که آفتاب بار آورده است  
(همان: ۴۸)

تنوع مضامین، خصوصیت بارزی است که در رباعیات حکیم ظهوری مشاهده می گردد. همان طور که قبل از این بیان شد، گویندگان شعر در سرودن برخی از رباعیات این جنگ، از احادیث و نیز آیات و ترکیبات قرآنی برای تکمیل و یا متمیم سخن خویش بهره برده اند و حتی گاهی بخشی از آیه ای را زینت رباعی خود کرده اند.

ملاً مؤمن حسین یزدی در مصراع آخر این رباعی اش، به حدیث قدسی اشاره دارد:

احمد که سر سریر افلاک آمد      جانی است کز آرایش تن پاک آمد

لَوْلَاكَ لَمَّا خَلَقْتَ الْأَفْلَاكَ آمَد  
(همان: ۷۷)

یک حرف ز مجموعه قدر و شرفش

در رباعیات شیخ مغربی آمده است:

تو ظن نبیری که ما درو می مانیم  
باقی همه کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانِمْ  
(همان: ۷۵)

دنیا چو رباط و ما درو پنهانیم  
در هر دو جهان خدای می ماند و بس

كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ، آیه ۲۶ از سوره الرَّحْمَنِ است.

و این رباعی منسوب به حکیم عمر خیّام که در دیوان وی نیامده، اما در این نسخه به نام وی مشهود است:

و آن دم که بود إِذَا النَّجُومُ انْكَدَرَتْ  
گویم صنما بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ  
(همان: ۲۲)

روزی که بود إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ  
من دامن تو بگیرم اندر عرصات

إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ، آیه ۱ از سوره انفطار است. إِذَا النَّجُومُ انْكَدَرَتْ نیز آیه ۲ از سوره تکویر است. همچنین: بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ، آیه ۹ از سوره تکویر است.

حکیم ظهوری:

لب تشنه لبالب ز سلامش سعدیک  
غافل مشو از درنگ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ  
(همان: ۴۹)

روید به جوابش از زبانها لَبَّيْكَ  
این راه نه راه پاست بشتاب به سر

فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ، برگرفته از این آیه قرآن کریم است: إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ (طه: ۱۲).

و نیز رباعیاتی در وصف پیغمبران مخصوصاً حضرت محمد(ص)، آخرین فرستاده خداوند و امامان شریف بویژه حضرت علی(ع) و همچنین رباعیات مذهبی و آئینی زیبای فراوانی که مثال آوردن از هر کدام در گنجایش این مقاله نیست، به چشم می خورد. چون گنجایش این پژوهش محدود است، بنابراین فقط به ذکر رباعی هایی در وصف پروردگار، حضرت محمد(ص)، حضرت علی(ع) و وصف کعبه بسنده می شود.

در توصیف پروردگار، می‌توان به این رباعی از ملّا عبدالرحمن جرجانی اشاره کرد:

همسایه و همنشین و همره همه اوست      در دلق گدا و کسوت شه همه اوست  
در انجمن فرد و نهانخانه جمع      بالله همه اوست، ثم بالله همه اوست  
(معارج الخیال: ۱۳)

و یا رباعی زیر از عراقی، که وی از شفقت باری تعالی که یکی از اوصاف حمیده و خصال جمیله خدا نسبت به مخلوقات و موجودات عالم است، سخن می‌گوید:

ای سایه رحمتت پناه همه کس      وی خاک درت گریزگاه همه کس  
ارباب گناه را ز تقصیر چه غم      چون شفقتت توست عذرخواه همه کس  
(همان: ۵۳)

تنها رباعی میرزا عبدالله، پدر میرزا مهدی مستوفی موقوفات، در وصف کعبه آمده:

آن را که رهی به کعبه صدق و صفاست      از چار حدش چهار ارکان پیداست  
رمزی است که میقات ره کعبه شش است      یعنی که تو را ز شش جهت رو به خداست  
(همان: ۵۲)

همان‌طور که قبلاً ذکر شد، وجود این نوع مضامین در این جنگ بسیار برجسته است و نشان از ایمان و اعتقاد بالای اکثر شاعران این مجموعه و نیز گردآور آنها یعنی میرزا محمدصالح رضوی، به پروردگار و ائمه معصوم دارد. وی به دلیل اعتقاداتش بیشتر سعی بر جمع‌آوری این نوع رباعیات کرده، به طوری که در هر جایی از این نسخه که نظر بیندازیم، کمتر رباعیاتی با این مضامین نیامده است. همانند رباعی زیر که گوینده آن، میرزا نصیر عتیقی، در وصف آخرین فرستاده خداوند چنین می‌گوید:

پیغمبر ما که صاحب معراج است      بر فرق پیمبران دیگر تاج است  
او بود وجود همه و آخر بود      دریا زیر است و بر زبر امواج است  
(همان: ۸۲)

که رباعی مذکور اشاره به حدیث قدسی *لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ* دارد.

و یا این رباعی در وصف حضرت علی(ع) است که پای توحید شاعر از شدت عشق و شوق به مولی لغزیده و به حلولی‌ها نزدیک شده:

در دایره وجود موجود علی است      در هر دو جهان مقصد و مقصود علی است  
گر خانه اعتقاد ویران نشدی      من فاش بگفتمی که معبود علی است  
(همان: ۲۰)

رباعی یاد شده، از جلال‌الدین محمد مولوی است، که این چنین زیبا حضرت علی(ع) را وصف می‌کند.

شاعر در رباعی زیر نیز ارادت خود را به دوازده امام معصوم(ع)، در کلامش نمایان کرده است. این تنها رباعی‌ای است که از میر معزالدین محمد یزدی در این مجموعه خودنمایی می‌کند.

از بعد نبی خواجه خورشید غلام      می‌دان که دوازده امامند مدام  
او مهر جهان فروز و شک نیست که مهر      گردد به دوازده مهش دور تمام  
(همان: ۷۴)

رباعیات ذکر شده، تنها بخش اندکی از رباعیات این مجموعه است که در این مقاله یاد شد، وگرنه سر تا سر این جنگ ارزشمند خطی، مملو است از رباعی‌های ناب و پرمایه‌ای که هر مخاطبی را به خواندن و تأمل در آن ترغیب می‌کند و او را به تحسین و تمجید می‌دارد.

## نتیجه‌گیری

جُنگ ادبی معارج الخیال، مجموعه‌ای است از رباعیات شعرای متقدم و حتی هم‌دوره میرزا محمدصالح رضوی و منبع بسیار خوبی است برای کسانی که قصد دارند درباره شاعران قرن یازدهم هجری و قبل از آن تحقیق کنند. این مجموعه به سبب شناساندن شاعران و اشعار نویافته آنان، دارای ارزش و اهمیت بسیاری است. چون برخی از شاعران این نسخه خطی ناشناخته‌اند و یا کمتر شناخته شده‌اند، بنابراین، این اثر باعث دستیابی بهتر و بیشتر علاقه‌مندان شعر و ادب فارسی به این شعرا و رباعیات آنها می‌شود و تحقیق و بررسی در این باره کمک بزرگی به شناخت آنان یعنی شناخت مؤلف و اثرش می‌کند.

در این جُنگ مضامین قرآنی و اخلاقی فراوانی به چشم می‌خورد، که خواندن و بررسی آنها باعث تأمل و تفکر انسان نسبت به اعمال و رفتار خود در زندگی دنیوی‌اش می‌شود.

میرزا محمدصالح رضوی، گردآورنده این اثر منحصر به فرد، خود شاعر بوده و رباعیات، یا شاید بخشی از رباعیاتش را در این مجموعه کتابت کرده است. موضوع رباعیاتی که از وی در این نسخه خطی موجود است، پرهیز از هوای نفس، امید به لطف و کرم خداوند، روی آوردن به درگاه او و مسائلی از این دست است، که نشان می‌دهد وی مردی خداشناس و مؤمن بوده که در این زمینه شعر می‌سروده است. وی به دلیل تعلق خاطر به مضامین قرآنی و اخلاقی، سعی کرده اکثر رباعیاتی را هم که از شعرای دیگر گردآوری می‌کند، درباره این موضوعات باشد. توجه به این جُنگ خطی نشان می‌دهد که حجم بالایی از رباعیات آن را همین مضامین دربرگرفته است، بنابراین ناصواب نیست که این نسخه خطی را مجموعه‌ای مذهبی و اخلاقی و مملو از مضامین حکمی و معنوی بدانیم، که خواندن آن برای هر اهل دل خالی از لطف نخواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- اصفهانی، کمال الدین اسماعیل، (۱۳۷۶)، دیوان، به کوشش سیداحمد بهشتی شیرازی، روزنه، چاپ اول.
- ۳- اعتماد السلطنه، محمدحسن، (۱۳۶۲)، مطلع الشمس، به اهتمام تیمور برهان لیمودهی، فرهنگ سرا.
- ۴- آق‌ملک (امیر شاهی) سبزواری، امیر، (۱۳۴۸)، دیوان، تصحیح سعید حمیدیان، تهران، ابن‌سینا.
- ۵- ترکمان، اسکندربیگ، (۱۳۸۲)، تاریخ عالم آرای عباسی، زیر نظر ایرج افشار، تهران، امیرکبیر.
- ۶- خیام، عمر، (۱۳۵۴)، رباعیات خیام، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، امیرکبیر.
- ۷- خیام‌پور، عبدالرسول، (۱۳۴۰)، فرهنگ سخنوران، جلد ۲، تبریز.
- ۸- درایتی، مصطفی، (۱۳۸۹)، فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۹- \_\_\_\_\_، (۱۳۹۰)، فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت‌نامه، ۱۶ جلد، تهران، دانشگاه تهران.
- ۱۱- رضوی، میرزا محمدصالح، (۱۱ هـ.ق)، نسخه خطی معارج‌الخیال، به شماره ۱۰۶۷۳، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۱۲- \_\_\_\_\_، (۱۱ هـ.ق)، نسخه خطی جواهرالخیال، به شماره ۱۰۶۷۳، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۱۳- \_\_\_\_\_، (۱۱ هـ.ق)، نسخه خطی لطایف‌الخیال، به شماره ۸۲۱۷، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۱۴- شاملو، ولی‌قلی بن داودقلی، (۱۳۷۱)، قصص‌الخاقانی، تصحیح حسن سادات ناصری، جلد ۱، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۱۵- الطهرانی، العلامه الشیخ آقا بزرگ، (۱۹۷۵)، *الدَّرْبَعَةُ إِلَى تَصَانِيفِ الشَّيْخِ*، جلد ۸، بیروت، دارالاضواء.
- ۱۶- فاضل بسطامی، نوروزعلی بن محمدباقر، (۱۳۹۱)، *فردوس التواریخ (تاریخ ارض اقدس رضوی)*، تحقیق علیرضا اکرمی، تهران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۷- فروزانفر، بدیع الزمان، (۱۳۸۷)، *مولانا جلال الدین محمد (مولوی)*، تهران، معین، چاپ سوم.
- ۱۸- فلسفی، نصرالله، (۱۳۶۴)، *زندگانی شاه عباس اول*، جلد ۲، علمی.
- ۱۹- گلچین معانی، احمد، (۱۳۶۸)، *تذکره پیمانہ*، مشهد، کتابخانه سنایی.
- ۲۰- مدرس تبریزی، محمدعلی، (۱۳۲۶)، *رِیْحَانَةُ الْأَدَبِ فِي تَرَاجِمِ الْمَعْرُوفِينَ بِالْكَتَبِ أَوْ اللَّقَبِ يَا كُنِي وَ الْقَابِ*، جلد ۹، تهران، خیام.
- ۲۱- مرقی کاشانی، افضل الدین، (۱۳۶۳)، *رباعیات بابا افضل کاشانی*، به تصحیح سعید نفیسی، تهران، فارابی، چاپ دوم.
- ۲۲- مصاحب، غلامحسین، (۱۳۸۱)، *دایره المعارف فارسی*، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم.
- ۲۳- معین، محمد، (۱۳۸۱)، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، چاپ نوزدهم.
- ۲۴- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۴)، *رباعیات ابوسعید ابوالخیر، خیام و باباطاهر*، نشر ناهید، چاپ سوم.
- ۲۵- مولانا، جلال الدین محمد، (۱۳۶۶)، *دیوان شمس*، به کوشش بدیع الزمان فروزانفر، تهران، نشر سپهر، چاپ یازدهم.
- ۲۶- واله داغستانی، علی قلی، (۱۳۸۴)، *تذکره ریاض الشعراء*، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی، تهران، اساطیر.
- ۲۷- هدایت، رضاقلی خان، (۱۳۸۲)، *مجمع الفصحاء*، به کوشش مظاهر مصفا، تهران، امیرکبیر.
- ۲۸- همایی، جلال الدین، (۱۳۷۳)، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران، هما.
- ۲۹- یاحقی، محمدجعفر، محمد مهدی ناصح، (۱۳۹۲)، *راهنمای نگارش و ویرایش*، مشهد، آستان قدس رضوی.